



شناسایی و تبیین ماهیت شر در نگاره‌های فالنامه در سدن بر اساس آراء ملاصدرا

فرزانه واحد دهکردی* زهرا فنایی** مهدی دهباشی*** سید علی مجابی****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۶

صفحه ۵ تا ۱۷

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

مسئله خیر و شر یکی از بحث‌های عمیق فلسفه و کلام است که در دوران مختلف تاریخ، تفکر و ذهن اندیشمندان غرب و شرق را به خود معطوف داشته‌است. در این میان فلاسفه اسلامی به ویژه حکمای صدرایی با نگاهی عقلی و مستدل، رنج‌ها و شرور مطرح در جهان هستی را مورد مطالعه قرار داده و به تبیین حقیقت و ماهیت آن پرداخته‌اند. ملاصدرا ضمن روی آوردن به تعریف مصداقی از شر و تقسیم مصداقی شر به طبیعی، اخلاقی، عاطفی و مابعدالطبیعی به تشریح ماهیت آن پرداخته و برای آن چهار قسم در نظر گرفته‌است: امور عدمی، شر ادراکی، شر اخلاقی و مبادی شر اخلاقی. هدف از این پژوهش تشخیص نمودهای شر در نگاره‌های فالنامه تهماسبی در نگاره‌های فالنامه در سدن و تبیین ماهیت شر بر اساس آراء ملاصدراست. این پژوهش در جستجوی یافتن پاسخ به این سوال‌هاست: ۱- ماهیت شر نمود یافته در نگاره‌های فالنامه در سدن چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۲- ماهیت شر در نگاره‌های فالنامه در سدن بر مبنای آراء صدرا چگونه قابل تحلیل است؟ روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. نتایج نشان می‌دهد تصویر شر که در فالنامه در سدن نمود یافته‌است، بر مبنای انواع ماهیت برشمرده شده توسط ملاصدرا یعنی امور عدمی، شر ادراکی، شر اخلاقی و مبادی شر اخلاقی قابل تطبیق است. همچنین آن قسم از شر که به حالات درونی و ادراکی انسان برمی‌گردد، نمود متفاوتی با سایر انواع آن دارد.

کلیدواژه‌ها:

ماهیت شر، امور عدمی، شر ادراکی، شر اخلاقی، ملاصدرا، فالنامه در سدن

* دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

Email: farzanevahed@gmail.com

** استادیار گروه هنر، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

Email: zahraf1351@gmail.com

*** استاد گروه فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

Email: dr.mahdidehbashi@gmail.com

**** استادیار گروه هنر، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

Email: alimojabi@gmail.com

مقدمه

دارد؟ ماهیت شر در نگاره‌های فالنامه‌درسدن بر اساس
آراء ملاصدرا چگونه قابل تحلیل است؟

ضرورت و اهمیت تحقیق:

اهمیت دیدگاه فلاسفه اسلامی در شکل‌گیری نگرش جوامع
مسلمان بر کسی پوشیده نیست. در این میان تشخیص
و تحلیل این دیدگاه در هنر اسلامی و به‌ویژه نگارگری
می‌تواند علاوه بر تأکید اهمیت فلسفه اسلامی در میان
هنرمندان به درک بهتر آثار منجر می‌شود. از آنجا که هیچ
پژوهشی تا کنون به تأثیر دیدگاه ملاصدرا در نگاره‌های
فالنامه‌ها نپرداخته است، این پژوهش می‌تواند راهگشای
محققان دیگر در ارتباط با تحلیل نگاره‌های فالنامه‌ها باشد.

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی است و رویکرد
آن نظریه‌مبنا و کیفی است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات
کتابخانه‌ای و اسنادی است. ابتدا به بررسی مسئله شر
از دیدگاه ملاصدرا پرداخته‌شده و انواع ماهیت شر
برشمرده خواهد شد. سپس انواع ماهیت موردنظر در
نگاره‌های فالنامه‌تھماسبی نسخه‌درسدن تشخیص
داده می‌شود.

جامعه آماری و نمونه‌ها عبارتند از فالنامه تھماسبی محفوظ
در موزه‌درسدن با ۵۱ نگاره یکی از مجموع چهار نسخه
فالنامه‌های مصور دوره صفوی است. در این نسخه تعداد
نگاره‌هایی که نمود ماهیت شر از نگاه ملاصدرا در آن‌ها
دید می‌شود، قابل توجه بوده و در برخی نگاره‌ها بیش از
یک نوع ماهیت شر قابل مشاهده است؛ تعداد نمونه‌ها به حدی
است که اشباع اطلاعات صورت‌گیرد اما به دلیل محدودیت
نوشتاری مقاله برای هر یک از انواع ماهیت شر طبق
تقسیم‌بندی انجام شده به چند نمونه (مجموعاً ۱۲ نمونه) که
به شیوه نمونه‌گیری سایر تحقیقات کیفی به صورت هدفمند
انتخاب شده، پرداخته می‌شود. شیوه تجزیه و تحلیل آثار
کیفی است

پیشینه تحقیق

راجع به مسئله شر کتب و مقالات قابل توجهی به
نگارش درآمده است. از جمله این پژوهش‌ها که در مقاله
حاضر مورد استفاده قرار گرفته است مقاله‌ای است از
محمدرضائی (۱۳۸۸) با عنوان «وجود خدا و مسئله
شر» در فصلنامه پژوهشی «قبسات» شماره ۵۲، که
در رابطه با مسئله شر به تحقیق پرداخته و از آن به
عنوان دلیلی برای اثبات وجود خدا یاد می‌کند. خدزی
(۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مسئله شر ادراکی
از منظر ملاصدرا» که در دو فصلنامه پژوهشی «حکمت
صدرايي» شماره ۲ به چاپ رسیده به تحلیل مسئله شر
از دیدگاه صدرا می‌پردازد و به سؤالات مطرح شده در

مسئله شر که به کرات توسط متفکران متعدد غربی و
اسلامی و از مناظر گوناگون مورد توجه قرار گرفته است،
همواره از جمله پرچالش‌ترین مسائل ذهنی بشر بوده است.
پرسش از سرشت شر به رویکردها و پاسخ‌های متفاوتی
منجر شده است. گروهی با نگاهی واقع‌بینانه شر را در
حیات آدمی موثر می‌دانند و گروهی دیگر بر وجه عدمی
شر تأکید دارند و برخی شر را موهوم می‌دانند. اهمیت این
مهم تا حدی است که در غرب بسیاری از کافران معتقدند
که این مسئله شر، ایمان دینی را دچار خطر می‌کند و
نقدی عقلانی به اعتقاد به خداوند است و حتی بعضی آن را
پناهگاه الحاد خوانده‌اند.

برای شر دو دسته تعریف وجود دارد: تعریف مفهومی
و تعریف مصداقی. کسانی که به تعریف مفهومی شر
پرداخته‌اند برای تعریف مفهوم آن به خیر متوسل شده
تا از راه آن به تعریف شر نزدیک‌تر شوند؛ در حالی که در
تعریف‌های مصداقی به جای پرداختن به مفهومی که مورد
پذیرش کلیه عقاید باشد، مصداق را به عنوان نمونه ذکر
می‌کنند تا مفهوم روشن شود. به‌طور مثال گاهی شر را
به دو نوع طبیعی و اخلاقی تقسیم می‌کنند و گاهی از قسم
سومی به نام شر متافیزیکی یا مابعدالطبیعی نام می‌برند.
متفکران اسلامی هر یک راجع به مسئله شر سخن گفته
و از دیدگاه‌های گوناگون آن را مورد تحلیل قرار داده‌اند.
در این میان صدرالمآلهین بخش‌هایی از اسفار را به بحث
از خیر و شر و چگونگی ورود شرور به قضای الهی و
توجیه چگونگی سازگاری وجود شر در جهان اختصاص
داده است. وی بر خلاف خیر بودن مبدأ آن و شبهه‌های
موجود، مسئله خیر و شر را بررسی و به نقد آرای ابن‌سینا
و محقق‌دوانی در این خصوص می‌پردازد؛ از ماهیت شر
سخن گفته، نسبی بودن آن را پذیرفته و انواع ماهیت شر را
مشخص و آن را به چهار نوع امور عدمی، شر ادراکی، شر
اخلاقی و مبادی شر اخلاقی تقسیم می‌کند.

نگارگران ایرانی نیز از نگاه خود به مسئله شر توجه نموده
و در صورت‌های مختلف به ترسیم آن اقدام نموده‌اند.
از جمله نگاره‌هایی که نمود شر به دفعات در آن‌ها قابل
تشخیص است، نگاره‌هایی مربوط به فالنامه‌های مصور
می‌باشند. فالنامه‌های مصور که بیشتر در زمان صفویه
رواج داشته‌اند، کتبی جهت تغال زدن و تعیین سعد و نحس
امور بودند. تشخیص فال نیک و بد بر اساس نگاره‌ای بوده
که به صورت تصادفی انتخاب شده و حاوی موضوع و
نمادهای تصویری خیر و یا شر می‌باشد. نگاره‌های تغال
خیر موضوع این پژوهش نیست بلکه هدف از این پژوهش
تشخیص نموده‌های شر در نگاره‌های فالنامه‌تھماسبی نسخه
محفوظ در کتابخانه‌درسدن و تبیین ماهیت شر در آن‌ها
بر اساس آراء ملاصدرا و در پاسخ به این سؤال‌هاست که:
نمود «شر» در نگاره‌های فالنامه‌درسدن چه ویژگی‌هایی

از قبیل این‌که: الف: شرور لازمه عالم طبیعت، ب: شرور لازمه تعالی روح، ج: شرور امتحان الهی، د: شرور کیفر گناهان، ه: شرور پاک کننده گناهان هستند. به نظر می‌رسد وقتی مجموع این غایات و راه حل‌ها لحاظ شود، بتوان به فلسفه وجودی شرور پاسخ معقولی ارائه داد (قدردان قراملکی، ۱۳۷۷: ۲۵۶). در نهایت فیلسوف معاصر دین الوین پلنتینگا معتقد است که یک جهان ممکن می‌توانسته است وجود داشته باشد و در این یک جهان ممکن نیز پاره‌ای امور متصف به شر شوند و البته شریعت آن‌ها خود حاوی برخی منافع است (پلنتینگا، ۱۳۷۴: ۱۹۲).

در فلسفه فکری ایران باستان چون ساحت اهورامزدا را از شر آفرینی منزّه دانسته‌اند، شر را به اهریمن نسبت داده‌اند؛ درگات‌ها متن مقدس زرتشتیان ایران باستان آمده است: "اهورمزدا یگانه آفریدگار جهان مینوی و مادی است و سرچشمه همه نیکی‌ها و خوبی‌هاست در مقابل او آفریدگار و یا فاعل شر وجود ندارد، انگره مینو یا خرد خبیث که بعدها به مرور ایام اهریمن گردید، زشتی‌های جهان از قبل اوست. چون چنین است ذات مقدس اهورامزدا که عاری است از این‌که انسان را در زندگانی گرفتار این همه زجر و شکنجه و ناخوشی و گزند و آزار نماید. از ساحت او جز نیکی سر نزنند آن‌چه در جهان زشت است مربوط به خرد خبیث است" (پوردادوود، ۱۳۷۸: ۷۱ - ۷۲).

مسئله شر از زمان فلاسفه یونان اپیکوریان و رواقیون تا عصر حاضر دستاویز ملحدان برای استدلال علیه وجود خداوند بوده‌است (وین رایت، ۱۳۷۴: ۸۷). در سال‌های اخیر نیز از نظر فلاسفه ملحد، مسئله شر برهانی قاطع بر انکار وجود خداوند به حساب می‌آمده‌است (Mackie, ۱۹۹۵: ۲۰۰). در فلسفه یونان باستان سقراط و افلاطون و ارسطو آن‌جا که از خیر اعلی و خیر اخلاقی بحث کرده‌اند مسأله شر را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند. چنانکه سقراط تلاش خویش را همواره در تربیت شهروند خوب و بالابردن فضایل اخلاقی و دفع بدی‌ها از ساحت اجتماع به‌کار می‌برد، ارسطو در این زمینه می‌گوید: «سقراط با مسائل اخلاقی سروکار داشت و خویشتن را با فضایل اخلاقی مشغول می‌داشت» (کاپلستون، ۱۳۶۲: ۱۲۰ - ۱۲۹).

دیدگاه متفکران اسلامی در مورد مسئله شر

دیدگاه فلاسفه اسلامی در این خصوص به دو گروه کلی تقسیم می‌شود: الف: شماری از ایشان به تبعیت از دیدگاه افلاطون در کتاب جمهور (۱۳۶۰) همچون ابن سینا و صدرالمتهلین خیر را امری "وجودی" و شر را امر "عدمی" می‌دانند. به باور ایشان نفس وجود خیر است و نفس عدم شر. ب: برخی از متکلمان خیر را امری مطلوب و شر را نامطلوب معرفی می‌کنند. در نگاه ایشان وجودی که ذاتاً مطلوب است خیر و دیگر وجود شر نامیده می‌شوند. اما از بهترین پاسخ‌ها به مسئله شر، تبیینی فلسفی از ارسطو

ارتباط با شر ادراکی پاسخ می‌دهد. فالنامه های مصور در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند و از جوانب مختلف از جمله مضامین شیعی بررسی شده‌اند. مهمترین کتابی که در این زمینه تدوین شده‌است مجموعه گردآوری شده‌ای است از مقالات پژوهشگران تمدن و فرهنگ ایران صفوی و ترکیه عثمانی به‌همراه تصاویر تمام رنگی از چهار نسخه به‌جامانده که توسط فرهاد و باغچی (۲۰۰۹) در واشنگتن به چاپ رسیده و همچنین مجموعه‌ای از نگاره‌های فالنامه درسدن به‌همراه متن فال با عنوان «فالنامه شاه طهماسبی» که توسط پوراکبر (۱۳۹۶) گردآوری شده‌است. اخوانی و محمودی (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مضامین بصری فالنامه‌های مصور عهد صفوی بر مبنای کاربرد امر پیشگویی» که در نشریه نگره شماره ۴۹ به چاپ رسیده‌است، به مطالعه فالنامه نسخه توقیاتی پرداخته و با در نظر گرفتن شباهت نگاره‌های چهار نسخه و نتایج حاصل از بررسی، کاربرد امر پیشگویی در آن را به سایر نسخ تعمیم داده‌است.

۱. مسئله شر

در دائره المعارف راتلج «شر» به صورت زیر تعریف شده‌است: شر نتیجه شدیدترین گناه اخلاقی ما انسان‌ها است. شر تحمیل آسیبی غیرعادلانه و خطرناک بر روی احساس موجودات است: (Kekes, ۱۹۹۸, ۴۳۶)

برخی خیر را کمال وجودی و شر را عدم آن معنا می‌کنند (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۷۲ و فارابی، ۱۴۱۳: ۳۶۲). برخی دیگر امکان و عدم را منبع شر می‌دانند و معتقدند شر جز عدم کمال نیست و خود، ذات ندارد (سهروردی، ۱۳۵۶: ج ۴: ۸). مسئله شرور می‌تواند یکی از مهم‌ترین مسائل علیه اثبات وجود خداوند یا لاقول صفاتی نظیر قدرت، علم و خیرخواهی وی باشد؛ چنان‌که مثلاً جی. ال. مکی معتقد است که شر نشان دهنده آن است که ایمان و خداپرستی سنتی به‌وضوح باطل یا حداقل غیرممکن است. (Taliaferro, 1998: 205)

در واقع وجود شرور، به مسئله اختیار فرشتگان و انسان‌ها باز می‌گردد و از زمان سرباز زدن ابلیس از اطاعت الهی آغاز شده‌است. به این معنا که ابلیس مرتکب گناه گشته و سپس آدم و حوا را نیز فریب داده و از خیر و رحمت تامة الهی دور کرد. شروری که براساس اراده انسان‌ها صورت می‌گیرد (یا شر اخلاقی) همان گناهان و معصیت‌های انسان‌هاست؛ و شروری که مستقیماً از انسان‌ها صادر نمی‌شوند (یا شر طبیعی) بر اثر گناهان یا به کیفر گناهان انسان‌های مختار بوجود می‌آیند (هیگ، ۱۳۷۲: ۹۳).

برای فلسفه وجودی شرور در عالم، غایات و انگیزه‌های مختلفی ذکر شده‌است که هرچند همه آن‌ها نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد، اما می‌توان آن‌ها را به‌طور نسبی پذیرفت

است که فلاسفه و متکلمان بزرگ اسلامی چون ملاصدرا و ابوعلی سینا ضمن قائل بودن به عدمی بودن شر به آن استناد نموده‌اند. به عقیده ارسطو موجودات را می‌توان از لحاظ عقلی به پنج دسته تقسیم کرد: ۱. موجوداتی که خیر کاملند و دارای هیچ شری نیستند؛ ۲. موجوداتی که خیر کثیر و شر کم دارند؛ ۳. موجوداتی که شر کثیر و خیر کم دارند؛ ۴. موجوداتی که خیر و شر یکسان دارند؛ ۵. موجوداتی که تنها شر مطلق هستند و در وجود آن‌ها هیچ‌گونه خیری نیست.

با این وجود اکثر متفکران اسلامی دیدگاه نیستی‌انگارانه درباره شر را پذیرفته‌اند و هر کدام اصطلاح خاصی برای آن وضع کرده‌اند، مثلاً فارابی از شر به عدم کمال وجود (فارابی، ۱۴۰۸ق: ۲۵۵) و ابن سینا به امر عدمی بدون جوهریت (ابن سینا، ۱۳۸۸: ۳۵۵) تعبیر کرده‌است. اما سهروردی تعبیر بهتری به کار می‌برد و شر را لازمه عالم ظلمات و عالم حرکت برشمرده و حصول ظلمت و حرکت از ناحیه فقر می‌داند. سهروردی معتقد است شر ناشی از عدم کمال و فقر است و شاید این نظریه رویکرد عدم محض دانستن شر را به سوی عدم کمالات ثانویه و عدم خیر یا زایل‌کننده کمالات سوق داده‌است. استاد مطهری نیز معتقد به عدمی بودن شر است. وی اساس شبهه ثنویت را که در آن دو نوع مبدأ برای هستی قائل شده‌اند، پاسخ می‌دهد: اساس شبهه ثنویت این است که چون هستی‌ها در ذات خود دو گونه‌اند، هستی‌های خوب و هستی‌های بد، ناچار باید از دو گونه مبدأ صادر شده باشند تا هر یک از بدی‌ها و خوبی‌ها به آفریننده‌ای جداگانه تعلق داشته باشند. استاد مطهری معتقد است شرور موجودهای واقعی و اصلی نیستند تا به آفریننده و مبدایی نیاز داشته باشند، بلکه ماهیت شرور عدم است، یعنی بدی‌ها همه از نوع نیستی و عدم‌اند. هرچه در عالم شر به حساب بیاید شریتش از آن جهت است که منشأ یک عدم شده‌است (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۵۶). به نظر علامه طباطبایی، "انتخاب" اصل معنای خیر است؛ به این معنی که وقتی انسان دو شیء را با هم مقایسه می‌کند - یعنی یکی را بر دیگری ترجیح داده و انتخاب می‌کند - در این‌جا مورد انتخاب نشده نسبت به شیء انتخاب شده شر است. اما شر تنها عدم خیر است. همه خیرها امر وجودی و به خداوند متعال مربوط و هدیه و پاداشی است که او می‌دهد و شر نبود هدیه و پاداش الهی یا خیری از جانب خداوند متعال است. ولی خیر نرساندن و یا به عبارت دیگر منع خیر از جانب خداوند، از روی ظلم نبوده و تابع مصالح عام نظام است (رک: المیزان، ذیل آیه ۲۶ آل عمران). فیلسوفان اسلامی قائل به نسبی بودن شرور هستند. ابن سینا در این زمینه معتقد است: «هیچ شری مطلق نیست، بسیاری از شرها منشأ خیر می‌شوند و به تعبیری شرور نسبی هستند (ابن‌سینا، ۱۳۷۶: ۴۵۱).

آراء ملاصدرا در ارتباط با مسئله شر

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد ملاصدرا بخش‌هایی از جلد اول، دوم، ششم و هفتم اسفار را به بحث از خیر و شر، اختصاص داده است. وی در تحلیل معنی خیر می‌نویسد: "طلب و اراده به چیزی که راجح باشد تعلق می‌یابد ملاک اصلی خیر است. به وسیله خیر مراد انتخاب و شوق برانگیخته می‌شود. بنابراین خیر بر غیر خود تأثیر گذاشته و موجودات برای به دست آوردن آن اشتیاق نشان می‌دهند (ملاصدرا، ۱۹۱۷، ج ۱: ۳۴۰). وی ذکر می‌کند مطلوب ذاتی برای هر چیزی حصول خیر و زوال شر است (ملاصدرا، ۱۹۱۷، ج ۲: ۲۷۰).

ملاصدرا معتقد است: شر اصطلاحی، نابودی ذات و حقیقت شیء یا نابودی کمالی از کمالات اختصاصی آن شیء است از آن جهت که در واقع برای آن شیء هست. او در معنایی دیگر هر نوع نقص وجود را شر تلقی می‌کند که بر این مبنا ماسوای واجب‌الوجود که خیر محض است هیچ موجودی از شوب شریّت میرا نیست، بلکه هر موجودی به اندازه نقصان درجه وجودیش از وجود مطلق که خیر مطلق است، آمیخته به شر می‌باشد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷: ۵۸). در هر دو معنا صدرا شر را امری عدمی می‌داند، اگر چه در بعضی موارد و مصادیق شر برای آن حصول و تحقق در حد حصول اعدام هست. بنابراین ملاصدرا شر را فقدان ذات یا کمالات ذات می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۱۹۸). وجود را مساوی با خیر می‌شمارد و تمام شرور را به عدم منسوب می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۲۵۱). ملاصدرا بیش از هر چیز به غرض مقابله با ثنویت و پاسخ‌گویی به شبهه ایشان به مسئله شر می‌پردازد؛ از همین رو غالب کوشش او معطوف به تبیین جایگاه شرور در نظام هستی و کیفیت انتساب آن‌ها به واجب‌الوجود که کمال مطلق است، گردیده است (شجریان، ۱۳۹۹: ۳۳۴).

صدرا در پناه باور به اصالت وجود و اعتباریات ماهیت و پذیرش نظام تشکیکی وجود خداوند متعال را که در رأس سلسله تشکیکی موجودات قرار دارد، سراسر خیر محض می‌شمارد و ماسوای او را در بهره‌مندی از نوعی شر شریک می‌داند (ملاصدرا، ۱۹۱۷، م، ۵۸). زیرا هر موجودی در مقایسه با ذات کامل و صرف الوجود او فاقد مراتبی از کمال است و در نگاه او این فقدان چیزی جز شر نیست. صدرا حتی گناهان یا همان شرور اخلاقی را با تبیینی خاص به امور عدمی ارجاع می‌دهد. او معتقد است که شر عدم ذات یا عدم کمالات ذات است و امری وجودی نیست (شجریان، ۱۳۹۹: ۳۴۲). او در برخی تألیفات خود با ارائه نوعی از تقسیم بندی چهارگانه به تبیین ماهیت شر می‌پردازد و آن را به اقسام ذیل تقسیم می‌کند:

الف: امور عدمی نظیر فقر و مرگ

ب: شر ادراکی نظیر درد و رنج

ج: شر اخلاقی نظیر قتل و زنا



فالننامه‌های مصور این دوره را در شرایط ویژه‌ای قرار می‌دهد (اخوانی و محمودی، ۱۳۹۷: ۲۰). تنها چهار نسخه مهم و تاریخی از این دست آثار استثنایی که درباریان و عوام مردم استفاده می‌کردند باقی مانده‌است. این نسخ بر جای مانده به خاطر تصاویر جالب و درخشانی که از پیامبران، قهرمانان، دیوها و اشرار و علائم منطقه البروج دارند از اهمیت بسیاری برخوردار هستند. این طالع بینی‌ها، پیش‌گویی‌های ترسیمی قابل ملاحظه‌ای هستند که متون مرتبط با تصاویر آن‌ها نه فقط جنبه کمتر شناخته شده دستاوردهای هنری صفویه را روشن‌تر می‌کند بلکه علاقه مشترک شاهان، سلاطین و وزراء به پیش‌گویی‌های مصور را در پایان هزاره اول اسلامی نشان می‌دهد. چهار نسخه فالنامه دوره صفوی عبارتند از: فالنامه پراکنده طهماسبی، فالنامه موزه توپقاپی سرای، فالنامه موزه درسدن آلمان، فالنامه ترکی سلطان احمد اول.

فالننامه موزه درسدن

این فالنامه نسخه‌ای است که به شماره Dresd. Eb.445 در کتابخانه درسدن آلمان محفوظ می‌باشد. تاریخ کتابت و تصویرگری آن احتمالاً به اواسط تا اواخر قرن دهم هجری می‌رسد. به دلیل خصیصه‌های سبکی و شباهت بسیار آن به نسخه قصص الانبیای کتابخانه دولتی برلین، که در سنه ۹۸۴ هجری کتابت شده‌است، احتمال می‌رود که هر دو به دست یک گروه از نقاشان پدید آمده باشند، یا دست کم به لحاظ زمانی فاصله چندانی با هم نداشته باشند. فالنامه درسدن ۵۱ برگ دارد و ابعاد این برگه‌ها از ۳۶/۵×۴۸ تا ۴۸×۶۶/۵ سانتی متر متفاوت است. فالنامه موجود مانند باقی فالنامه‌ها تنها یک نسخه دارد. در واقع نقاشان نگاره‌های این فالنامه بنا بر سنت مقدم بر خویش، از روی نگاره‌های پیشین، نقشی جدید را ترتیب می‌داده‌اند. برخی اوقات نیز بنا بر تصور خود نگاره کاملاً جدیدی پدید می‌آورده‌اند. از طرف دیگر متون این فال‌ها بعد از فرآیند نگارگری تهیه می‌شده‌اند، لذا دست‌کم متن آن‌ها به کلی با یکدیگر متفاوت است. به علاوه شاید برخی از این نگاره‌ها به‌طور جداگانه و بدون این متون مورد استفاده فرد فالگیر برای ارائه تفسیر خود از فال بوده است. این فالنامه را می‌توان یگانه نمونه از فالنامه‌های مصور دانست که به‌صورت کامل در دسترس بوده و به چاپ رسیده است. این موضوع اهمیت بسیار زیادی دارد، چرا که فالنامه‌های مصور به دلیل وجود نگاره‌های متعدد بسیار قیمتی‌اند و در موزه‌ها و مجموعه‌های مختلف پراکنده‌اند و از طرف دیگر معمولاً هر برگ از این فالنامه‌ها به دلیل داشتن نگاره مجزا از کل کتاب جدا شده است و دسترسی به یک فالنامه کامل را بسیار سخت کرده است. این دشواری در دسترسی باعث شده است که متن جامعی از یک فالنامه برای بررسی علمی در دست نباشد. در واقع با داشتن این فالنامه که نسخه

د: مبادی شورو اخلاقی نظیر غضب و بخل (ملاصدرا، ۱۳۷۰، ج۱: ۴۱۴)

علاوه بر این تقسیم‌بندی در میان اصدا مثال‌های فراوانی از شر دیده می‌شود نظیر مرگ، نادانی، فقر، ناتوانی، نقص عضو، قحطی، درد، اندوه، نابینایی، سیل، سرما و گرمای شدید و... (ملاصدرا، ۱۹۱۷، ج۷: ۶۲-۵۸).

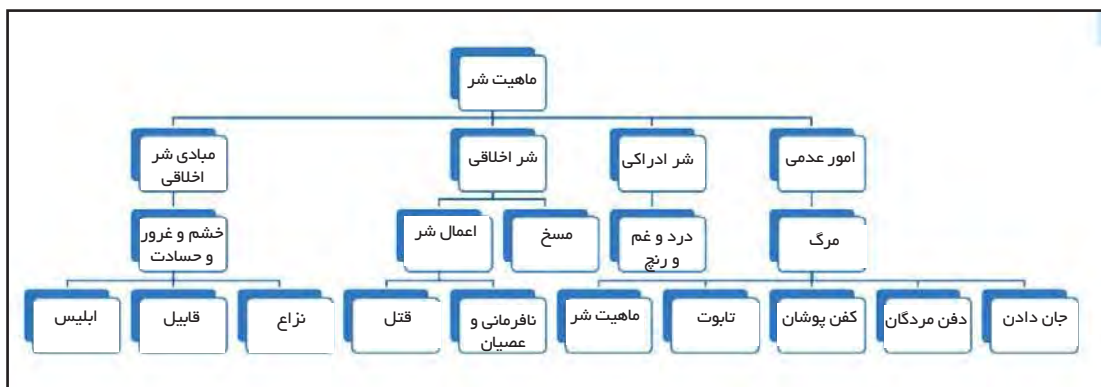
فال

فال در لغت به معنای "شگون" و شگون در فرهنگ فارسی به معنای "خجسته" و "مبارک" است. بنابراین فال در فرهنگ ایرانی "طلب تبرک و خجستگی" است. لکن با استمداد از نیروهای مابعدالطبیعه و دقیقاً از همین روست که با دین و بنیان‌های دینی نسبتی می‌یابد. این نسبت نه از آن‌رو که در عرصه دین، طلب برکت و خجستگی نمایند، بلکه از این‌روست که همواره در حیات بشر دین مهم‌ترین عامل ارتباط با ماوراء بوده است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۰). ذیل واژه فال در لغت‌نامه دهخدا آمده است: فال در عربی "فأل" ضد طیره به معنی نیک و بد هر دو استعمال نمایند. شگون، طالع و بخت، اختر، پیش‌بینی و عاقبت‌گویی و غیب‌گویی. فرهنگ معین چنین آورده است: فال (عربی فال) هر چه به آن تفأل زنند، نیک یا بد، پیش‌بینی، پیش‌گویی، طالع و بخت (عصارکاشانی، ۱۳۹۳: ۶۸).

باید اشاره کرد که فال و فال‌گیری به اشکال متعدد از گذشته تا کنون رواج داشته است و مردم در مواقع تردید و دودلی، نگرانی و درماندگی به آن روی می‌آوردند. از کهن‌ترین نمونه‌های فال‌گیری می‌توان به فال بودا در هند، ای چینگ در چین، ورقه‌های تاروت در اروپا، فال اعداد و حروف ابجد در ایران و انواع دیگر فال‌ها مانند تفأل با چای، نخود، قهوه یا فال‌گیری با تاس - که به آن رمل می‌گفتند - اشاره کرد (سیپک، ۱۳۹۴: ۹۴).

فالننامه

فالننامه‌ها مجموعه‌ای از نوشتارها - خواه به نظم یا به نثر - یا عناصری بصری هستند که از محتوای آنها یا براساس تأویل آن محتوا، فردی که فال گرفته‌است بر خوب بد بودن یا مبارکی و نحوست نیت خویش آگاهی می‌یابد (پوراکی، ۱۳۹۶: ۷). در دوره صفویه فالنامه‌های مصوری با حمایت و سفارش دربار تولید شده که به دلایلی متمایز از سایر فالنامه‌ها می‌باشند. در فالنامه‌های مصور این دوره هنر نگارگری با هدف پیش‌گویی و فال‌گیری به خدمت گرفته شده‌است که این موضوع کاربرد ویژه و منحصر به فردی را برای هنر نگارگری که در طول تاریخ خود بیشتر در خدمت مصور کردن کتاب‌های ادبی به ویژه شاهنامه بوده، رقم زده‌است. حمایت دربار صفوی از تهیه نسخه‌های فالنامه مصور از یک سو و ممنوعیت امور پیش‌گویی و فال‌گیری از سمت برخی نهادهای دینی از سوی دیگر،



نمودار ۱. ماهیت شر در نگاره‌های فالنامه درسدن بر اساس آراء ملاصدرا، مأخذ: نگارندگان

باشد باید یا برای خود یا برای غیر خودش شر باشد؛ شر برای خودش پدید نمی‌آید، وجود شیء اقتضای عدم نفس و عدم چیزی از کمالاتش کم نمی‌کند. تمام اشیاء (با عنایت الهی) خواهان کمالاتی که در خودشان هست می‌باشند. پس اشیاء با طبایع و غرایز و نهاد و ذاتشان به دنبال کمالات و غایتشان هستند نه عدم و نقائص‌شان؛ و همچنین شر نمی‌تواند بنا به تقدیر وجودی بودنش برای غیر خود شر باشد، زیرا شر بودنش برای غیر خود، باعث معدوم شدن چیزی می‌شود. اگر شر بودنش برای این است که معدوم کننده چیزی یا بعضی از کمالات آن چیز باشد، در این صورت شر، عدم آن چیز یا عدم کمال آن چیز است. پس شر امری عدمی است» (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۸۳).

امور عدمی در نگاره‌هایی با موضوع "مرگ" در فالنامه درسدن به‌تصویر کشیده شده‌است. در این نگاره‌ها مرگ به اشکال گوناگون مشاهده می‌شود؛ انسان مرده، انسانی که در حال دفن شدن است، انسانی که تجزیه شده و تنها اسکلت او باقی مانده است، انسانی که در نبرد کشته شده، انسانی که در تابوت است و یا کفن پوشان. موارد ذکر شده را می‌توان در نمونه‌هایی از این دست در جدول شماره ۱ مشاهده کرد.

- شر ادراکی

ملاصدرا در آخرین اثر خود -شرح اصول کافی- وجودی بودن شر ادراکی را به صراحت پذیرفته‌است (ملاصدرا، ۱۳۷۳: ۴۱۴). او در باب شرور ادراکی از نظریه عدمی بودن شر عدول می‌کند و برای آن‌وجه ایجابی در نظر می‌گیرد و براساس نظریه تقسیم‌گرایانه ارسطو بدان پاسخ می‌دهد (خدری، ۱۳۹۳: ۴۰). صدرا می‌گوید: "آن‌چه از سوی خداوند صادر می‌شود یا مانند جواهر عقلیه خیر محض است یا مانند نفوس و اجرام سماوی و غیر آن خیر برتر و کثیر است که ملازم با شر اندک است، اما سه صورت دیگر (

ای تقریباً کامل است می‌توانیم از خصیصه‌های کلی دیگر فالنامه‌های مصور نیز آگاه شویم، برای مثال قالب کلی این کتب و عناصر معمول برای تفأل را می‌توان از روی همین نسخه در دست شناخت (پوراکیبر، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۹).

نمود ماهیت شر در نگاره‌های فالنامه درسدن

در فالنامه درسدن هر جا که قرعه فال نفس است و فال‌گیرنده را از انجام کار نهی می‌کند، نمود شر در نگاره منطبق با فال، قابل مشاهده است. در این نگاره‌ها انواعی از مصادیق شر اخلاقی، شر طبیعی و شر مابعدالطبیعی -طبق تقسیم‌بندی بسیاری از فلاسفه اسلامی- به چشم می‌خورد. وضوح این مصادیق شر چنان است که بلافاصله قابل تشخیص است؛ اما در برخی از نگاره‌ها تشخیص شر تعمق بیشتری می‌طلبد. نمود شر در این نگاره‌ها "ماهیتی" است، یعنی نسبت به مصادیق شر مفهومی عمیق‌تر داشته و در سطح عمیق‌تری از تصویر، "شر" را نشان می‌دهند. ماهیت شر نمود یافته در این نگاره‌ها با انواع ماهیت شر از دیدگاه ملاصدرا قابل تطبیق است.

ماهیت شر در نگاره‌های فالنامه درسدن بر اساس آراء ملاصدرا

ماهیت شر در نگاره‌های فالنامه درسدن بر مبنای آراء ملاصدرا به چهار صورت نمود یافته‌است: امور عدمی، شر ادراکی، شر اخلاقی و مبادی شر اخلاقی. در نمودار شماره ۱، انواع ماهیت شر برشمرده شده توسط ملاصدرا که در نگاره‌های فالنامه درسدن دیده می‌شود، به اختصار آورده و سپس توضیح داده خواهد شد.

-امور عدمی

ملاصدرا معتقد است: «شر نه امری ذاتی بلکه امری عدمی است، یا عدم ذات یا عدم کمال ذات است؛ و اگر امری وجودی

جدول ۱. نمونه‌هایی از امور عدمی در فالنامه درسدن، مأخذ: نگارندگان.

ردیف	تصویر	توضیحات
۱		<p>روز داوری، ۴۸×۵۶، مأخذ: پوراکیب، ۱۳۹۶: ۸۶.</p> <p>در این نگاره داوری در روز قیامت به تصویر کشیده شده‌است. مرگ و در خاک قرار گرفتن افراد با کفن های سفید از جمله امور عدمی است که ملاصدرا به آن اشاره کرده‌است. (بنابر اعتقادات شیعی مردم در روز رستاخیز براساس کردار و گناهان این جهانی خود به هفت گروه متعدد تقسیم می شوند).</p>
		<p>مصادق‌های شر</p> <p>کفن پوشی، شکنجه شدن توسط ملک عذاب، قرارگیری در قبر، شکنجه شدن، برهنگی، بلعیده شدن، گزیدگی توسط حیوانات موزی و تابوت، چهره ها و بدن های تیره، داشتن سر حیوان، وجود آتش در سینه، وجود نامه اعمال در دست چپ.</p>
۲		<p>گذر حضرت علی از گورستان، ابعاد ۳۵×۴۹، مأخذ: پوراکیب، ۱۳۹۶: ۶۶.</p> <p>در این نگاره مرگ در قالب انسان مرده با کفن سفید و در حال خاکسپاری مشاهده می‌شود. از دیگر نمادهایی که نشان امور عدمی در این نگاره است سنگ قبرها و بقعه هایی است که نشان از گورستان دارند، درخت چناری که برگ‌های آن رو به زردی گراییده و دیواری که یک ویرانه را نشان می‌دهد نیز می تواند از دیگر نشانه های امور عدمی باشد.</p>
		<p>مصادق‌های شر</p> <p>قبرستان، گور حفرشده در زمین، قرارگیری در قبر، سنگ قبر و بقعه، ویرانی، برگ‌های پاییزی درخت، کفن پوشی.</p>
۳		<p>کشته شدن ایرج به دست سلم و تور، ابعاد ۶۳×۴۸، مأخذ: پوراکیب، ۱۳۹۶: ۶۰.</p> <p>در این نگاره امر عدمی به صورت مرگ در قالب کشته شدن بی‌گناه به تصویر کشیده شده‌است.</p>
		<p>مصادق‌های شر</p> <p>مرگ به صورت کشته شدن با خنجر از روی حسادت ۲ و به ناحق، شر ادراکی نیز در حالات پیکرها به صورت انگشت به دندان گزیدن از روی تأسف نشان داده شده‌است.</p>
۴		<p>لقمان حکیم، ابعاد ۴۱/۷×۵۶، مأخذ: پوراکیب، ۱۳۹۶: ۸۰.</p> <p>در این نگاره مرگ به صورت تجزیه شدن بدن انسان و در قالب یک اسکلت نشان داده شده‌است. سیاهی و تاریکی می تواند از دیگر نشانه های عدم محسوب شود.</p>
		<p>مصادق‌های شر</p> <p>تاریکی، اسکلت انسان یا بدن تجزیه شده.</p>
		<p>از دیگر نگاره‌های فالنامه تهماسبی نسخه درسدن که امور عدمی را در قالب مرگ نشان می‌دهد می توان موارد دیگری همچون «بهرام گور و دل آرام چنگی»، «کشته شدن شیر توسط حضرت علی ع»، «ضحاک»، «زنده شدن مرده توسط پیامبر»، «سر بریده»، «غرق شدن لشکر فرعون»، «مرگ اسکندر»، «قوم عاد»، «هابیل و قابیل»، «مرگ سیاوش»، «نشانه عطارد» (مرگ جانور درنده)، کشته شدن ذوخمار را می‌توان نام برد که در کلیه این نگاره‌ها مرگ به یکی از اشکال ذکر شده در بالا نشان داده شده‌است.</p>

۱. افراد بدگو و تهمت‌زن با سر سگ مانند و زبان از پشت درآمده، همسایه آزارها با دست و پای قطع شده، کسانی که حق یتیمان را خورده‌اند با چهره‌های سیاه و چشمان آبی، دارندگان افکار شر به صورت وارونه، کسانی که در تجارت صادق نبودند با سر خوک و گراز، بدگوا و تهمت‌زن ها با زبان‌های دراز و کسانی که در زندگی دیگران تجسس می‌کنند با لباس‌های قیرمانند مجسم شده‌اند.

۲. طبق داستان شاهنامه فریدون برای سه پسر پس از آن که در پی آزمونی همسرانی از زمین برمی‌گزینند، با آزمونی دیگر که آستانه هشیاری و بیدار ماندن بود، ایرج سربلند بیرون آمد؛ پس روم و خاور را به سلم، توران و چین را به تور و ایران و دشت نیزه‌وران (تانانازه ای برابر میانرودان یا عراق امروزی) را به ایرج می‌بخشد. ایران از دیگر قلمروها آبادتر است و پادشاهی بر این نقطه به‌منزله پادشاهی بر هفت کشور بود و کسی که فرمانروای ایران باشد فرمانروای جهان بود. این مسأله برای سلم و تور گران آمد و حسادت آن‌ها را برانگیخت، پس دست دوستی ایرج را نپذیرفتند و او را به قتل رساندند.

جدول ۲. نمونه‌هایی از شر ادراکی در نگاره‌های فالنامه درسدن، مأخذ: نگارندگان.

ردیف	تصویر	توضیحات و مصداق‌ها
۱		مرگ اسکندر (ذوالقرنین)، ابعاد ۴۲/۵×۶۲/۵، مأخذ: پوراکبر، ۱۳۹۶: ۱۲۰. در این نگاره لحظه مرگ اسکندر و رنج و تألم اطرافیان او نشان داده شده‌است. شر ادراکی در حالات پیکره‌های اطرافیان اسکندر دیده می‌شود.
		مصداق‌های شر بر سر زدن، بر سینه زدن، انگشت به دهان گرفتن، گریبان دریدن، پاک کردن اشک چشم با دستمال، سرپوش (عمامه، کلاه خود و کلاه) از سر انداختن. امور عدمی نیز به صورت مرگ نمود یافته‌است.
۲		نشانه ضحاک‌ماران، ۴۱×۵۴، مأخذ: پوراکبر، ۱۳۹۶: ۷۲. در این نگاره کشتن جوانی برای تقدیم سر او به ماران ضحاک نشان داده شده‌است. شر ادراکی در تأسف و رنج برای جوان مقتول در حالات اطرافیان دیده می‌شود.
		مصداق‌های شر دست به دهان گرفتن، سر افکندن، به کدیگر نگاه کردن از روی تأسف. شر اخلاقی نیز به صورت قتل مظلوم نشان داده شده‌است.
۲		نشانه موسی و فرعون، ۴۸×۶۴، ۵، مأخذ: پوراکبر، ۱۳۹۶: ۱۰۸. در این نگاره لحظه غرق شدن فرعونیان در رود نیل نشان داده شده‌است. شر ادراکی در حالات پیکره‌ها دیده می‌شود.
		مصداق‌های شر دست به دهان گرفتن، به یکدیگر نگاه کردن (از روی تعجب و تأسف)، گرفتن سر اسبها برای نجات. امور عدمی نیز به صورت مرگ در اثر غرق شدن در نگاره دیده می‌شود.
۴		اژدها دریدن حضرت علی ع، ۴۲، ۵×۵۸، ۵، پوراکبر، ۱۳۹۶: ۱۵۲. در این نگاره شر ادراکی به صورت حالات پیکره‌ها از دریدن اژدها توسط حضرت علی نشان داده شده‌است. گرچه اژدها شر مغلوب شده توسط نیروی خیر است، اما نشانه‌های شر مانند خون و نزاع منجر به شر ادراکی در اطرافیان شده‌است.
		مصداق‌های شر دست به دهان گرفتن، سر برافکندن، نگاه به دیگران (از روی حیرت و تأسف).
نمونه‌های دست به دهان گرفتن از روی حیرت و یا تأسف در برخی نگاره‌های دیگر مانند «حکایت جنون»، «نشان قبر حضرت علی»، «نشان حضرت موسی»، «اصحاب کهف»، «کشته شدن ایرج» یا «نشانه حضرت خلیل و اسماعیل» نیز مشاهده می‌شود ولی الزاماً دارای مفهوم شر نیستند.		



(ملاصدرا، ۱۹۱۷، ج ۷: ۶۱). در حقیقت آنچه «شر بالذات» است همان «عدم» است و شیء موجود از آن جهت که سبب امری عدمی است «شر بالعرض» محسوب می‌شود. او گناهان یا همان شرور اخلاقی را با تبیینی خاص به امور عدمی ارجاع می‌دهد. مثلاً معتقد است گناهی نظیر شهوت‌رانی از آن جهت که به امری عدمی مانند انقطاع نسل، عدم امکان تربیت انسانی و... منجر می‌شوند شر محسوب می‌گردد (صدرا، ۱۹۱۷، ج ۷: ۱۰۵).

از آنجا که شر اخلاقی به لحاظ «شربودن» و اختیار انسان در انتخاب آن، واضح‌ترین نمود شر را در بین سایر انواع ماهیت دیگر شر دارد، تشخیص آن در نگاه نخست به آسانی ممکن است. شر اخلاقی در نگاره‌ها یا به صورت اعمال شر تصویر شده و یا در قالب موجودات مسخ‌شده نشان داده شده‌است. مسخ به معنای تغییر صورت چیزی به ظاهری بد و نامناسب است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳: ۵۵). در برخی کتاب‌های شیعه و اهل سنت گزارش‌هایی درباره مسخ فرد یا افراد دیگری به‌جز آنچه در قرآن آمده است، دیده می‌شود. همچنین طبرانی از عالمان اهل سنت در قرن سوم و چهارم قمری حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده‌است که طبق آن در آینده برخی از مسلمانان مسخ می‌شوند و به صورت میمون و خوک درمی‌آیند (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۴۵-۲۴۶). صدر المتألهین ضمن تأیید مسخ، از این مسأله در رد تناسخ استفاده کرده و نوشته‌است: «مسلمانان بر این مسأله اجماع دارند که حیوانات امروزی از نسل آدم نیستند و افراد مسخ‌شده پس از سه روز مردند، بدون این‌که از دوران حیوان بودن آنها نسلی به وجود آید» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۳: ۴۶۸). طبرسی از زبان رسول خدا روایت کرده: «روزی که در صور دمیده شود ده گروه از امت من به صورت‌های حیوانی و زشت محشور می‌شوند. سخن چینیان به صورت میمون و رشوه‌خواران به صورت خوک و رباخواران به صورت وارونه محشور خواهند شد» (طبرسی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۶۴۲). مسخ در نگاره دابه‌الارض در قالب جانوران ترکیبی به صورت موجوداتی با سر حیوان و بدن انسان و یا پیکره‌های وارونه دیده می‌شود. در نگاره بریدن سر سیاوش توسط کیکاوس و هابیل و قابیل شر اخلاقی به صورت «قتل مظلوم توسط ظالم» نمودیافته و در نگاره سجده ملائک عصیان شیطان و نافرمانی از فرمان خداوند با سجده نکردن شیطان نشان داده شده‌است: «چون فرمان حق به سجده آدم در رسید، همه فرشتگان سجده کردند. مگر ابلیس که از سجده امتناع کرد» (سوره حجر، آیه ۳۰-۳۱). در نگاره دابه‌الارض انسان‌ها به صورت مسخ‌شده در قالب حیوانات نشان داده شده‌اند. در جدول شماره ۲ برخی از نمونه‌های شر اخلاقی قابل مشاهده‌است.

مبایده شرور اخلاقی

آنچه در انسان به وجود می‌آید و منجر به شر اخلاقی

شر محض - شر کثیر، خیر کمتر - شر و خیر مساوی) مگر بنابر لزوم از خداوند صادر نمی‌شود. این سه قسم اخیر یا امور عدمی‌اند، که بی‌نیاز از علت و آفریننده هستند و یا احیاناً شرور وجودی هستند و برای توجیه آن سه وجه است:

الف) شرور وجودی نسبت به خیرات بی‌شمار، اندک و ناچیزند.

ب) شرور وجودی است، به نحوی که اگر از وجود شر قلیل امتناع شود، باید از تحقیق خیرات بی‌شمار چشم‌پوشی کرد.

ج) علاوه بر این دو شرور اندک خود مبدأ و مادر ایجاد خیرات کثیر است (صدرا، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۱۵).

اما همه فلاسفه بر این مسأله اتفاق نظر دارند که دردهایی که بر اثر عواملی مانند دیدن مناظر ترسناک، ضربات وارد بر بدن یا یا شنیدن اخبار غمگین به انسان تحمل می‌شود، مربوط به ادراک نفس و روح نفسانی هستند و روح به دلیل وحدت با صور ادراکی، در برابر عوامل متألم و متأثر می‌شود. بنابراین هر درد و رنجی همراه با ادراک امر منافی است. برخی از فلاسفه هم شر ادراکی را امری وجودی می‌دانند. بزرگ‌ترین مانع برای نظریه عدمی بودن شر، شر ادراکی است.

شر ادراکی مانند درد، رنج و غم در حالات چهره نمود می‌یابد اما از آنجا که «چهره‌نگاری در نگارگری سنتی ایران بر اساس الگوهای مشخصی بوده و اغلب حالات روحی و درونی در چهره‌ها نمایانگر نمی‌شده‌است، در چهره‌نگاری صفوی ادرق‌نامه‌ها نیز به سختی حالات درونی مشخص بودند. هنرمندان نگارگر ایرانی چارچوب‌های خاصی در تعریف چهره‌نگاری داشته‌اند که در سده‌های متمادی پابرجا بوده و هنرمندان موظف به پیروی از این اصول بوده‌اند» (حسنوند و آخوندی، ۱۳۹۱: ۱۵). بنابراین شر ادراکی در حالات چهره‌ها قابل تشخیص نیست؛ بلکه می‌توان حالاتی مانند درد و رنج و غم را به صورت نمادین، در قالب انسان‌هایی که سر در گریبان دارند و یا از رنج و سوگ گریبان می‌درند و برسر می‌زنند، در نگاره‌های فالنامه تشخیص داد. این حالت‌ها همه به یک شکل و تکراری هستند. نمونه‌هایی از مفهوم شر عدمی در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود.

شر اخلاقی

منظور از شر اخلاقی ارتکاب اعمالی است که انسان در آن حق انتخاب دارد و بنابه اختیار در مورد انجام آن تصمیم می‌گیرد. ملاصدرا در برخی دیگر از آثار، شر را به دو قسم «عدم محض» و «آنچه سبب عدم است» تقسیم می‌کند، امری که سبب معدوم شدن دیگری هستند - نظیر گرگی که گوسفند را می‌درد - فی‌نفسه به این دلیل که بهره‌مند از مرتبه‌ای از وجودند خیرند اما به این دلیل که سببی معدوم شدن غیرند، شر محسوب می‌شوند

جدول ۳. نمونه‌هایی از شر اخلاقی در نگاره‌های فالنامه درسدن، مأخذ: نگارندگان.

ردیف	توضیحات و مصداق‌ها	تصویر	مصداق‌های شر
۱	بریدن سر سیاوش توسط کیکاوس، ابعاد ۶/۳۶×۵۰، مأخذ: پوراکبر، ۱۳۹۶: ۱۴۸. در این نگاره شر اخلاقی به صورت قتل کردن (سربریدن) از روی خشم نشان داده شده‌است.		بریده شدن سر مظلوم توسط ظالم. امور عدمی به صورت مرگ و شرادراکی در حالات پیکره‌ها به صورت انگشت به دهان گرفتن (از روی تأسف) دیده می‌شود.
۲	سجده ملانک بر آدم، ابعاد ۵/۴۷×۶۴، مأخذ: پوراکبر، ۱۳۹۶: ۵۸. هنگام سجده ملانک بر آدم، شیطان از فرمان خدا تمرد می‌کند. شر اخلاقی به صورت نافرمانی شیطان از خدا و عصیان او نشان داده شده‌است.		شیطان در سمت چپ تصویر در قالب یک انسان با چهره ای تیره نشان داده شده‌است که انگشت بر دهان است و سجده نمی‌کند.
۳	دابه الارض، ابعاد ۴۱/۵×۶۳، مأخذ: پوراکبر، ۱۳۹۶: ۱۰۴. دابه الارض نشانه آخرالزمان است. بنابراین به نوعی نماد روز جزا است. شر اخلاقی به صورت گناهکاران مسخ شده در این نگاره دیده می‌شود.		گناهکاران در قالب حیوانات ترکیبی در پایین تصویر و انسان‌های گناهکار دیگر به صورت وارونه سمت چپ نشان داده شده‌اند. امور عدمی نیز به صورت کفن پوشان سمت راست دیده می‌شود.
۴	هابیل و قابیل، ابعاد ۳۸/۵×۵۰، پوراکبر، ۱۳۹۶: ۱۴۶. در این نگاره شر اخلاقی به صورت جنگ بین دو انسان و قتل هابیل توسط قابیل از روی حسد نشان داده شده‌است.		نزاع و کشته شدن مظلوم توسط ظالم، عمامه بر زمین افتاده. شخص سمت چپ با صورت تیره احتمالاً شیطان است.
در نگاره «حضرت ایوب» نیز شیطان در سمت چپ تصویر با صورت تیره قرار دارد و در نگاره «نشان حضرت سلطان علی موسی الرضا» دو شیر در حال دریدن شخصی (حمید) که به امام توهین می‌کند، هستند.			



به‌شمار می‌روند، اموری درونی و باطنی می‌باشند بنابراین اقسام آن مانند حسد، مکر و خشم و غرور به‌خودی خود نمود بیرونی ندارند و در نگاره‌ها با به‌تصویرکشیدن نتیجه آن یعنی شر اخلاقی نمود می‌یابند. در نگاره «بریدن سر سیاوش» قتل نتیجه مکر و خشم و غضب است. در نگاره «سجده ملائک بر آدم» عصیان شیطان نتیجه غرور است. در نگاره هابیل و قابیل، جنگ افتاد و قتل هابیل (شر اخلاقی) نتیجه حسد قابیل به هابیل است. در نگاره «نشان حضرت علی موسی‌الرضا» دریده‌شدن شخص ناشی از بخل و مکر است (جدول شماره ۳).

می‌شود، مبادی شرور اخلاقی است؛ مثلاً وقتی در حالات آدمی خشم و غضب ایجاد می‌شود و به ارتکاب گناهی مانند جنگ و قتل می‌انجامد. ملاصدرا در شرح اصول کافی می‌گوید: «مبادی شرور اخلاقی عبارت است از ملکات رذیله، مانند شهوت، غضب، بخل و مکر (محمدرضایی، ۱۳۸۴: ۶۰). ملکات مربوط به قوای نباتی، حیوانی و انسانی‌اند و منظور از ملکات رذیله اموری باطنی و درونی هستند که منجر به نقص در انسان می‌شوند (المیزان، ج ۱: ۵۵۸-۵۶۱). از آن‌جا که مبادی شرور اخلاقی که اقسامی از ملکات رذیله

نتیجه

مسئله شر همواره مورد توجه و تعمق متفکران بوده و در ارتباط با شناخت و درک آن جستجو کرده‌اند. گرچه گاه این موضوع دستاویزی برای انکار وجود خدا برای ملحدان بوده‌است، اما در بسیاری از موارد نظریات متفکران غربی و اسلامی در رابطه با مسئله شر هم‌پوشانی دارد، مانند پذیرش تعریف مصداقی و عدمی و نسبی دانستن شر. در میان متفکران اسلامی، ملاصدرا نیز شر را فقدان ذات یا کمالات ذات می‌داند بنابراین شر را امری عدمی می‌داند، مانند نیستی که عدم وجود است یا ظلمت که عدم وجود روشنایی است؛ او حتی گناهان یا همان شرور اخلاقی را با تبیینی خاص به امور عدمی ارجاع می‌دهد. او با ارائه نوعی از تقسیم بندی چهارگانه به تبیین ماهیت شر می‌پردازد و آن را به اقسام امور عدمی نظیر مرگ، شر ادراکی نظیر درد و رنج، شر اخلاقی نظیر قتل و نافرمانی، مبادی شرور اخلاقی نظیر غضب و حسد تقسیم می‌کند. هرچند صدرا در تبیین ماهیت شر آن را امری عدمی می‌داند و ارتباط آن را با خالق قطع می‌کند اما در مورد شر ادراکی به وجودی بودن آن قائل بوده و برای توضیح آن به تقسیم‌بندی پنج‌گانه ارسطو رجوع می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد «ماهیت شر» در نگاره‌های فالنامه درسدن بر اساس آراء ملاصدرا به چهار قسم قابل مشاهده است: شر عدمی در نگاره‌ها در نمود مرگ به صورت انسان در حال جان دادن، گورستان، تابوت و مردگان کفن‌پوش نشان داده شده‌است. در برخی نگاره‌ها نیز حالتی نمادین داشته و به‌طور مثال به‌صورت پژمردگی و برگ‌ریزان دیده می‌شود. شر ادراکی امری درونی است و از آنجاکه حالات چهره در نگارگری صفوی تفاوت چندانی ندارد، در حالات پیکره منعکس می‌شود، درد و رنج و غم به‌جای بروز در حالات چهره‌ها در قالب انسان‌هایی که سر در گریبان دارند و یا از رنج و سوگ گریبان می‌درند، انگشت به دهان می‌گزند و بر سر می‌زنند دیده می‌شود. شر اخلاقی به صورت اعمال شر مانند نزاع و قتل و همچنین مسخ به‌صورت موجودات ترکیبی قابل مشاهده است. مبادی شر اخلاقی نیز که اموری حسی و درونی می‌باشند و در ملکات رذیله مانند خشم، حسد و مکر بروز می‌یابند و به نوعی پیش‌درآمد انجام گناهان هستند، در نگاره‌ها به‌صورت عینیت‌یافته در قالب شر اخلاقی قابل تشخیص‌اند. ملاصدرا در ارتباط با تبیین ماهیت شر به انسان توجه مبسوط داشته و آن را نه در طبیعت و سایر عوامل بیرونی بلکه در حالات و اعمال انسان دانسته‌است. این موضوع به‌ویژه در ارتباط با شر ادراکی، شر اخلاقی و مبادی شر اخلاقی مؤکد است؛ گویی در لایه‌های عمیق‌تری نسبت به آنچه در تقسیم انواع مصداقی شر نام برده شده، به تبیین ماهیت آن پرداخته‌است. صدرا تعریف مصداقی را نیز همچون بسیار دیگری از فلاسفه می‌پذیرد ضمن آن‌که هم در مصداقی و هم در ماهیت، از شر اخلاقی نام برده است؛ گرچه برخی از محققین به اشتباه در بیان مصداقی شر از تقسیم‌بندی چهارگانه ماهیت شر ملاصدرا نیز

نام برده‌اند. بحث «ماهیت» از «مصادیق» متفاوت است. مصادیق شر طبیعی مانند طوفان و سیل و... و شر مابعدالطبیعی مانند ابلیس، دیو و غول و اژدها و... در نگارگری ایرانی و به‌ویژه نگاره‌های فالنامه‌ها به دفعات قابل مشاهده و تشخیص آن‌ها در نگاه نخست ممکن است اما ماهیت شر بسیار درونی‌تر است و معنای عمیق‌تری در خود دارد. نگارگران در برخی نگاره‌های فالنامه برای تصویرکردن ماهیت شر از نشانه‌های تصویری بهره‌جسته‌اند: مانند تصویر تابوت و اسکلت برای نشان دادن مرگ به نشانه‌ی شر عدمی و یا نمادهای سوگ مانند گریبان‌دریدن و بر سرزدن که نشان دهنده‌ی شر ادراکی می‌باشند. بدین ترتیب تشخیص انواع ماهیت شر در نگاره‌ها تعمق بیشتری می‌طلبد و گاه حتی برای درک آن رجوع به متن فال و اطلاع از سعد و نحس و موضوع فال ضروری است؛ در حالی‌که در نگاره‌هایی حاوی مصادیق شر، پیش از اطلاع از متن فال و تنها با مشاهده‌ی تصویر، بلافاصله نحس بودن آن قابل تشخیص است. با توجه به هم‌زمانی مصورسازی فالنامه‌ی درسدن با گسترش اندیشه‌های ملاصدرا می‌توان احتمال تأثیرپذیری نگاره‌ها را از فلسفه‌ی صدرا در نظر گرفت. هرچند نباید این نکته را نادیده گرفت که اندیشه‌ی فلاسفه برآمده از مسائل مورد مواجهه‌ی انسان در طول زندگی اوست و مسئله‌ی شر و تقابل آن با خیر همواره بخشی از زندگی آدمی است.

منابع و مأخذ

- ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۳۷۶. الالهیات من کتاب الشفاء، تحقیق آیت‌الله حسن زاده آملی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۴۰۴ق. شفاء، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۳۸۸. الهیات شفاء، ترجمه دادجو، تهران: امیرکبیر.
- ابن منظور الانصاری، محمد بن مکرم بن علی. ۱۴۱۴ق. لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- اخوانی، سعید و محمودی، فتانه. ۱۳۹۸. تحلیل مضامین بصری فالنامه‌های مصور عصر صفوی بر مبنای کاربرد در امر پیش‌گویی، شماره ۴۹، صص ۱۹-۳۷.
- افلاطون. ۱۳۶۰. جمهور، ترجمه حسن فتحي، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پترسون، مایکل و دیگران. ۱۳۷۶. عقل و اعتقاد دینی، تهران: طرح نو.
- پلنتینگا، الوین. ۱۳۷۴. خدا، جهان‌های ممکن و مسأله شر، ترجمه ابراهیم سلطانی و احمد نراقی، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- پوراکبر، آرش. ۱۳۹۶. فالنامه شاه طهماسبی، تهران: فرهنگستان هنر.
- پورحسن، قاسم و اسکندری دامنه، حمیدرضا. ۱۳۹۳. مقایسه دیدگاه مطهری و سوئینبرن درباره مسئله شر، پژوهش‌نامه فلسفه دین (نامه حکمت) سال دوازدهم، شماره دوم، پائیز و زمستان، پیاپی ۲۴، صص ۱-۲۳.
- پورداوود، ابراهیم. ۱۳۷۸. گات‌ها (کهن‌ترین بخش اوستا)، تهران: نشر اساطیر.
- حسنوند، محمدکاظم و آخوندی، شهلا. ۱۳۹۱. بررسی سیر تحول چهره‌نگاری در نگارگری ایران تا انتهای دوره صفوی، نگره، شماره ۳۳، صص ۱۴-۳۵.
- خداری، غلامحسین. ۱۳۹۳. تحلیل مسئله شر ادراکی از منظر ملاصدرا، دو فصلنامه پژوهش حکمت صدرايي، ۳۵-۴۶.
- سهروردی، شهاب‌الدین. ۱۳۵۶. کلمة التصوف، سه رساله از شیخ اشراق، به تصحیح و مقدمه نجفقلی حبیبی، تهران: انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران.
- سیک، ییری. ۱۳۸۴. ادبیات فولکلور ایران، ترجمه محمد اخگری، تهران: سروش و مرکز.
- شجریان، مهدی. ۱۳۹۹. مسأله شر از دیدگاه ملاصدرا و نورمن گیسلر، دو فصلنامه علمی تأملات فلسفی

- دانشگاه زنجان، سال دهم، شماره ۲۴، بهار و تابستان، صص ۳۳۷-۳۶۴.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۶۶. تفسیر القرآن الکریم، قم: نشر بیدار.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۶۳. مفاتیح الغیب، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۸۳. الشواهد الربوبیه، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۹۱۷ م. الاسفار الاربعه، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۹۸۱ م. حکمت المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۷۰. شرح اصول کافی، تهران: مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۶۷. تفسیر میزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. ۱۴۱۵ ق. المعجم الکبیر، به کوشش حمیدی عبدالمجید سلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیه
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۸۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو.
- عصارکاشانی، الهام. ۱۳۹۳. تأثیر تفکر شیعی بر فالنامه‌های مصور دوره اول صفوی، استاد راهنما: ابوالقاسم دادور، پایان نامه دکتری: دانشگاه الزهراء.
- فارابی، ابونصر. ۱۴۱۳ ق. تحصیل السعاده در الاعمال الفلسفیه، تحقیق: جعفر آل یاسین، بیروت: دار المتأهل.
- فارابی، ابونصر. ۱۴۰۸ ق. التعليقات، بیروت: دار المناهل.
- قردان قراملکی، محمدحسین. ۱۳۷۷. خدا و مسئله شر، قم: بوستان کتاب.
- کاپلستون، فردریک. ۱۳۶۲. تاریخ فلسفه یونان و روم، سیدجلال الدین مجتبیوی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدرضایی، محمد. ۱۳۸۸. وجود خدا و مسئله شر، قبسات، سال چهاردهم، صص ۵۵-۶۹.
- مهدی زاده، علیرضا. ۱۳۹۹. فالنامه تهماسبی، تهران: سوره مهر.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۶. درس‌های الهیات شفا، ج ۳، تهران: حکمت.
- هیگ، جان. ۱۳۷۲. فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، تهران: انتشارات الهدی.
- وینرایت، ویلیام جی. ۱۳۷۴. مسئله شر در کلام فلسفی، مجموعه مقالات، ترجمه ابراهیم سلطانی و احمد نراقی، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- Farhad, Massumeh & Bagci, Serpil. 2009. Falnama: The Book of Omen, the Arthur M. Sackler and Freer Gallery of Art, Smithsonian Institution: Washington D.C.
- Kekes, John. 1998. Evil- Routledge Encyclopedia of Philosophy. Edited by Edward Craig, London: Taylor & Francis Group. p436.
- Mackie, J. L. 1995. Evil and Omnipotence, Mind, Vol. 64, No. 254.
- Taliaferro, Charles. 1998. Contemporary Philosophy of Religion. Oxford: Blackwell.

Identifying and Explaining the Nature of Evil in the Paintings of the Dresden Falnama based on Mulla Sadra's Opinions*

Farzaneh Vahed Dehkordi, PhD Student, Art Research, Art and Architecture Faculty, Islamic Azad University, Khorasgan branch, Isfahan, Iran.
Zahra Fanaei, Assistant Professor, Department of Art, Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Mahdi Dehbashi, Professor, Department of Philosophy, Faculty of Humanities and Law, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

S.Ali.Mojabi, Assistant Professor, Department of Art, Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Received: 2022/02/09 Accepted: 2022/07/17



The issue of good and evil is one of the deep debates of philosophy and theology that has been criticized and studied in different periods of the history of thought and it has turned the minds of Western and Eastern philosophers. Among these, Islamic philosophers, especially Sadra scholars with a rational and reasoned view, have studied the sufferings and evils in the universe and have explained the truth and its nature. In response to the problem of evil, the Sadr al-Muta'allehin rely on the three basic principles of the originality of existence, the non-existence of evil, and the goodness system. He turned to the definition of the example of evil and dividing the examples of evil into natural, moral, perceptual and metaphysical has explained its nature and for it there are four parts: non-existent affairs, perceptual evil, moral evil and Basic of moral evil. The battle of good and evil has long been depicted in Iranian paintings, especially Shahnamas and painters have always used different visual features to distinguish evil from good. Among the paintings in which the appearance of evil is often recognizable are drawings related to illustrate Falnamas. This study entitled «Explaining the nature of evil in Dresden's Falnama painting based on Mulla Sadra's views» It has a descriptive-analytical nature and looks at recognizing the nature of evil in the drawings of Tahmasp's Falnama Dresden version. On this basis, after studying the library to identify the problem of evil and its characteristics, the types of nature proposed by Mulla Sadra will be addressed, and while observing the works, we will find paintings with the subject of evil in the's version of the fortune-telling. While observing the works, the paintings with the subject of evil will be purposefully found in the orthography of the Dresden version. Then the nature of evil depicted in these paintings will be identified and their types will be adapted based on Mulla Sadra's views. This study is searched to answer the following **questions**: What are the characteristics of the nature of evil manifested in Dresden Falnama's paintings? How can the nature of evil be analyzed in Dresden Falnama's paintings based on Sadra's views? The findings show that the image of evil is reflected in the Dresden Falnama can be applied on the basis of the types of nature of evil by Mulla Sadra: non-existent affairs, perceptual evil, moral evil, and the principles of moral evil. Non-existent evil is depicted in the paintings in the form of death in the form of a dying man, a cemetery and a shrouded dead. Because facial expressions are not much different in Safavid painting and perceptual evil is an internal matter which is reflected in facial expressions, pain and sorrow instead of appearing in the form of faces in the form of people who are struggling or they are seen suffering from grief and mourning Moral evil

*This article is taken from the PhD Thesis of Ms. Farzaneh Vahed Dehkordi, a student of Art Research at the Islamic Azad University, Khorasgan Branch, entitled «Analysis of the Grotesque Representation in Fortunes based on The Opinions of Kaiser, Bakhtin, Harpham and Kuryluk» which is being conducted under the guidance of Dr. Zahra Fanaei, Dr. Mahdi Dehbashi and the advisory of Dr. Seyed Ali Mojabi.

can be seen in the form of acts of evil such as murder, as well as metamorphosis in the form of combined beings. The principles of moral evil, which are sensory and internal matters and in the kingdoms of vices such as anger, jealousy and deceit appear and are a kind of prelude to committing sins in paintings. Also, that part of evil that refers to the inner and perceptual states of man, has a different appearance from other types. Mulla Sadra has paid extensive attention to human beings in explaining the nature of evil and has considered it not in nature and other external factors but in human states and actions. This is especially true in relation to perceptual evil, moral evil, and the principles of moral evil; it is as if he has explained its nature in deeper layers than what is mentioned in the division of all kinds of examples of evil Sadra, like many other philosophers, accepts the definition of an example, while mentioning moral evil both in examples and in nature; However, some scholars have erroneously mentioned the fourfold division of Mulla Sadra's evil nature in giving examples of evil. The discussion of «nature» is different from «examples». Examples of natural evil such as storms and floods, and metaphysical evil such as the devil, demons, giants, dragons, etc. in Iranian painting, especially fortune-telling drawings, can be seen many times and it is possible to recognize them at first glance, but the nature of evil is much more internal and has a deeper meaning. Therefore, recognizing the different types of evil in the paintings requires more reflection and sometimes, even to understand it, it is necessary to refer to the text of fortune-telling and know about the misfortune and the subject of fortune-telling. While in pictures containing examples of evil, before knowing the text of the omen and only by looking at the image, it can be immediately recognized that it is evil.

Keywords: Nature of evil, Non-existent Affairs, Perceptual Evil, Moral Evil, Mulla Sadra, Dresden's Falnama

References: The Holy Quran.

Akhavani, Saeed and Mahmoudi, Fataneh. 2019. Analyzing the Visual Themes of Safavid-Era Illustrated Falnama Manuscripts based on Use in Prediction (Case Study: Illustrations of the Persian Version of Falnama in the Topkapi Saray Museum), No. 49, pp. 19-37.

Assar Kashani, Ilham. 2014. Influence of Shi'ite reflection on the name of God, photographer of the first course of the Safavi, Rahnma Stadium: Abu al-Qasim Dadvar, PHD Thesis: al-Zahra University.

Copleston, Frederick. 1983. History of Greek and Roman Philosophy, Seyyed Jalaluddin Mojtaba, Scientific and Cultural Publications.

Farabi, Abu Nasr. 1988. Comments, Beirut: Dar Al-Manahil.

Farabi, Abu Nasr. 1992. Pursuing happiness through philosophical works, Investigated by: Jaafar Al-Yassin, Beirut: Dar Al-Mutahal

Farhad, Massumeh & Bagci, Serpil. 2009. Falnama: The Book of Omen, the Arthur M. Sackler and Freer Gallery of Art, Smithsonian Institution: Washington D.C.

Ghadrdan Gharamaleki, Mohammad Hussein. 1998. God and the problem of evil, Qom: Book Garden.

Hasanvand, Mohammad Kazem and Akhoondi, Shahla. 2012. A study of the evolution of portraiture in Iranian painting until the end of the Safavid period, Nagreh, No. 33, pp. 14-35.

Hick, John. 1993. Philosophy of Religion, translated by Bahram Rad, Tehran: Al-Huda Publications.

Ibn Manzoor Al-Ansari, Muhammad Ibn Makram ibn Ali. 1993. Arabic Language, Beirut: Dar-e-Sader.

Ibn Sina, Husayn Ibn Abdullah. 1984. Shefa', Qom: Ayatollah Marashi Library.

Ibn Sina, Husayn Ibn Abdullah. 1997. Theology from the Book of Healing, research by Ayatollah Hassanzadeh Amoli, Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office.

Ibn Sina, Husayn Ibn Abdullah. 2009. Theology of Shefa', translated by Dadjoo, Tehran: Amirkabir.

Kekes, John. 1998. Evil- Routledge Encyclopedia of Philosophy. Edit by Edward Craig, London: Taylor & Francis Group. p436.

Khedri Gholam Hussein. 2014. Analysis of the problem of perceptual evil from Mulla Sadra's perspective,



- two quarterly journals of Sadra Wisdom Research, 46-35.
- Mackie, J. L. 1995. Evil and Omnipotence, *Mind*, Vol. 64, No. 254.
- Mehdizadeh, Alireza. 2020. *Tahmasebi's Falnama*, Tehran: Sureh Mehr.
- Mohammad Rezaei, Mohammad. 2009. Existence of God and the issue of evil, *Qabsat*, fourteenth year, pp. 55-69.
- Motahari, Morteza. 1997. *Lessons of Healing Theology*, Volume 3, Tehran: Hekmat.
- Patterson, Michael et al. 1997. *Reason Religious and Belief*, Tehran: Tarhe-e- No.
- Plantinga, Alvin. 1994. *God, Possible Worlds and the Problem of Evil*, translated by Ebrahim Soltani and Ahmad Naraghi, Tehran: Sarat Cultural Institute.
- Plato .1981. *Jomhor*, translated by Hassan Fathi, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Pourakbar, Arash. 2017. *Shah Tahmasebi's Falnama*, Tehran: Academy of Arts.
- Pourdavood, Ebrahim .1999. *Ghaths (the oldest part of Avesta)*, Tehran: Nashr-e-Asatir.
- Pourhassan, Ghasem and Eskandari Damaneh, Hamidreza .2014. Comparison of Motahhari and Swinburne's views on the problem of evil, *Research Journal of Philosophy of Religion (Letter of Wisdom)*, Twelfth Year, Second Issue, Autumn and Winter, No. 24, pp. 1-23.
- Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim. 1987. *Interpretation of Qoran: Bidar*
- Sadra Shirazi, Mohammad Ibrahim. 1991. *Description of Sufficient Principles*, Tehran: Institute of Cultural Research and Studies.
- Sadrudin Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim. 1917. *The four travels*, Third edition, Beirut: Heritage Revival House.
- Sadrudin Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim. 1917. *The Transcendental Wisdom in the Four Intellectual Books*, Third edition, Beirut: Heritage Revival House
- Sadrudin Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim. 1984. *Mafatih al-Ghayb*, Tehran: Islamic Association of Wisdom and Philosophy of Iran.
- Sadrudin Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim. 2004. *Evidence of God*, Qom: Book Garden, Third edition.
- Shajarian, Mehdi. 2020. The Problem of Evil from the Perspective of Mulla Sadra and Norman Geisler, *Journal of Philosophical Reflections*, Zanjan University, Volume 10, Number 24, Spring and Summer, pp. 337-364.
- Sipak, Yiri .2005. *Iranian Folklore Literature*, translated by Mohammad Akhgari, Tehran: Soroush and Markaz.
- Suhrawardi, Shahabuddin. 1977. *The word Sufism, three treatises* by Sheikh Ishraq, edited and introduced by Najafgholi Habibi, Tehran: Imperial Society of Iranian Philosophy.
- Tabarani, Suleiman Ibn Ahmad. 1994. *The Great Dictionary*, by Hamdi-Abdul-Majid Salafi, Cairo: Ibn Taymiyyah Library.
- Tabarsi, Fadl bin Hassan. 2006. *Al-Bayan Complex in the Interpretation of the Qur'an*, Introduction: Muhammad Javad Balaghi, Tehran: Nasir Khusraw.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein. 1988. *Tafsir Al-Mizan*, translated by Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Qom: Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Instituted.
- Taliaferro, Charles. 1998. *Contemporary Philosophy of Religion*. Oxford: Blackwell.
- Wenwright, William.G. 1995. *The Problem of Evil in Philosophical Theology*, Collection of Articles, translated by Ebrahim Soltani and Ahmad Naraghi, Tehran: Serat Cultural Institute.